

# مطهری



## استاد مطهری؛ الگوی برین معلم

پای صحبت علی تاجدینی،  
نویسنده و پژوهشگر  
رضانعلی ابراهیم زاده گرجی

### اشاره

مطهری «در عمر کوتاه خود اثرات جاویدی به یادگار گذاشت که پرتوی از وجدان بیدار و روح سرشار از عشق به مکتب بود. او با قلمی روان و فکری توانا در تحلیل مسائل اسلامی و توضیح حقایق فلسفی با زبان مردم و بی‌قلق و اضطراب به تعلیم و تربیت جامعه پرداخت. آثار قلم و زبان او بی‌استثنا آموزنده و روان‌بخش است و مواعظ و نصایح او که از قلبی سرشار از ایمان و عقیده نشئت می‌گرفت، برای عارف و عامی سودمند و فرح‌زا است. من به دانشجویان و طبقه روشن‌فکران متعهد توصیه می‌کنم که کتاب‌های این استاد عزیز را نگذارند با دسیسه‌های غیراسلامی فراموش شود.»

مطلب بالا جملاتی است که از میان پیام‌های گوناگون امام خمینی (ره)، پس از شهادت آیت‌الله مرتضی مطهری، استخراج و نقل شده است که به صورت اشاره ولی مکفی، ارزش‌های آثار شهید مطهری را بیان کرده و نسبت به مسکوت گذاشتن این آثار در جامعه هشدار داده‌اند.

آموزش و پرورش از جمله نهادهایی است که به دلیل شأن آموزشی آن در کشور، وظیفه‌ای ذاتی برای تبیین و رواج اندیشه‌های استاد مطهری، حداقل در جامعه دانش‌آموزی و معلمان، دارد. مجله «رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی» نیز در این زمینه رسالت دارد. به این علت و به مناسبت سالروز شهادت استاد مرتضی مطهری و روز معلم (۱۲ اردیبهشت)، با علی تاجدینی درباره ویژگی‌های معلمی این شهید عزیز گفت‌وگو کرده‌ایم.

تاجدینی از افرادی است که به صورت جدی پیرامون شخصیت استاد مطهری و آثار ایشان مطالعه و تحقیق و آثاری در قالب کتاب و مقاله منتشر کرده است.

● **ضمن معرفی خودتان به مخاطبان مجله، بفرمایید از کی و چطور با استاد مرتضی مطهری آشنا شدید؟**

○ علی تاجدینی هستم. مطالعات بنده در حوزه اندیشه‌های اسلامی معاصر و مکتب مولانا بوده است. در سال‌های ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۷ که دانش‌آموز دبیرستانی بودم، با استاد مطهری آشنا شدم. به یاد دارم در آن سال‌ها که ایشان ممنوع‌النمیر بودند، جلسه مباحث فطرت توسط ایشان در خانه معروف به «خانه یزدی‌ها» تشکیل می‌شد. همچنین، جلسه مباحث تفسیری ایشان در منزلی در حدود باغ

فیض تهران منعقد می‌شد. استاد خود نماز را می‌خواندند و بعد در باغ مصفایی تفسیر می‌گفتند.

در سال ۱۳۵۷ که در دانشگاه گیلان قبول شدم، آنجا انجمن اسلامی تأسیس کردیم که بعد از انقلاب، در تمام استان گیلان شعباتی پیدا کرد. من در حد بضاعتی که داشتم، جلسات آموزشی مبتنی بر آثار شهید مطهری داشتم.

### ● ضمن آشنایی با آثار ایشان، چه عناصری وجود داشت که سبب گرایش ممتد شما به این آثار و غور در آن‌ها شد؟

○ عقلانیت، اعتدال، زبان روان و حس معنوی که از آثار استاد مطهری دریافت می‌کردم، حسی بود که از ابتدای آشنایی با استاد تاکنون در وجود من باقی مانده است. آثار استاد مطهری را همچون آب زلالی یافتیم که تشنگی مرا در این سال‌ها برطرف کرده است.

### ● با عنایت به مجموعه آثار استاد شهید مطهری، چه آثاری و با چه موضوع‌هایی منتشر کرده‌اید؟

○ برای بنده در کارهایی که منتشر کرده‌ام، مخاطب همواره اهمیت داشته است. از کارهای تکراری به شدت پرهیز می‌کنم. دوست دارم از زاویه‌های جدیدی به یک موضوع نگاه کنم. بنابراین اولین کاری که از بنده درباره استاد به صورت کتاب منتشر شد، کتابی در حوزه هنر و زیبایی بود. مسئولین حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی ابتدا باور نداشتند که استاد مطهری مطالب مهمی در زمینه زیبایی و هنر داشته باشد. این کتاب با عنوان «**اهتزاز روح**» منتشر شد و در زمان خود موجی پدید آورد. یا برای مثال، کتاب «معلم نمونه» که حاوی نظرات استاد در حوزه تعلیم و تربیت، روش تدریس استاد، اخلاق معلمی و مباحثی از این دست است و برای معلمین جنبه کاربردی دارد. درباره موضوع رابطه استاد مطهری با دانشگاه نیز کتابی نوشتم. متأسفانه هنگام جمع‌آوری اطلاعات و نوشتن این کتاب، حتی یک مقاله نیز درباره رابطه استاد و دانشگاه نوشته نشده بود، در حالی که بیش از ۲۰ سال، آقای مطهری استاد تمام وقت دانشگاه بود و روزی هشت ساعت کار مفید داشت و دانشجویان از

ده‌ها پایان‌نامه در دانشگاه با راهنمایی ایشان دفاع کردند.

از نظر من هنوز ده‌ها موضوع جذاب برای نسل جوان کنونی وجود دارد که در آثار استاد می‌توان درباره آن‌ها تحقیق و حاصل کار را منتشر کرد، ولی به دلایلی که بر نخبگان مخفی نیست، با اندیشه‌های استاد مخالفت جدی و پنهان می‌شود. درباره اندیشه سیاسی استاد مطهری نیز کتابی منتشر کرده‌ام. می‌توانم بگویم که تاکنون بیش از ۲۰۰ مقاله نیز در مطبوعات از بنده چاپ شده که هر کدام به موضوع جدیدی در حوزه اندیشه و آثار ایشان اختصاص داشته است و تا قبل از مقاله‌های بنده، کار مستقلی پیرامون آن‌ها انجام نشده بود. تا به حال طرح‌های پژوهشی گسترده‌ای را هم مدیریت کرده‌ام؛ نظیر پژوهشی گسترده برای تلویزیون که حاصل آن بیش از ۵۰ هزار صفحه مطلب برای سایت و استفاده کاربران صداوسیما به صورت کتاب، جزوه و آثار الکترونیکی بوده است.

### ● با عنایت به کتاب «تعلیم و تربیت اسلامی در پرتو کلام استاد مطهری» بفرمایید این‌گونه از تعلیم و تربیت چه ویژگی‌هایی دارد؟

○ بنده در مقاله مختصری که درباره تعلیم و تربیت در اندیشه استاد مطهری نوشتم، رئوس مطالب را گفته‌ام. از جمله نظرات مهم شهید مطهری آن است که تعلیم را ذیل تربیت معنا کرده است. یعنی آموزش در اسلام که از آن به علم تعبیر می‌کنیم، در خدمت پرورش عقل است. اگر علم به رشد استعداد عقلانی کمک نکند، ارزشی ندارد.

نکته مهم دیگر در خود آموزش است. به نظر استاد، معلم نقش ذغالی را باید بازی کند که آتش درون دانش‌آموز را در تحقیق مشتعل می‌کند، نه آنکه ذهن دانش‌آموز را انباری از معلومات کند. قطعاً استاد مطهری با نظام آموزشی کشور که غایتی جز آماده‌سازی برای کنکور ندارد، مسئله داشت.

در حوزه تربیت هم ایشان عنایت ویژه‌ای به استعدادهای درونی دانش‌آموز دارد. موضوع «فطرت» مبنایی‌ترین موضوع اندیشه مطهری است. وی به مقوله انسان‌شناسی و اصالت فرد اهمیت زیادی می‌دهد.



از جمله نظرات مهم مطهری آن است که تعلیم را ذیل تربیت معنا کرده است. یعنی آموزش در اسلام که از آن به علم تعبیر می‌کنیم، در خدمت پرورش عقل است





با تأمل در مباحث فطرت که زیربنای تفکر استاد است، می‌توان دیدگاه استاد مطهری را به عنوان نظریه اسلامی دربارهٔ تعلیم و تربیت سازمان‌دهی کرد



در جای جای اندیشه‌های استاد بحث فطرت مطرح شده است. ایشان براساس همین موضوع، تربیت را سامان می‌دهد. به نظر وی تربیت باید مبتنی بر فطرت انسانی باشد. فطرت هم در کانون عقل معنا دارد و هم در کانون دل. آدمی موجودی دو کانونی است: هم عقل دارد و هم احساس. ادراکات فطری و احساسات فطری. در ناحیهٔ ادراکات، ایشان به بدیهیات عقلی اعتقاد تام دارد و این بدیهیات را پایه علم و ادراک می‌داند. در حوزهٔ احساسات، به پنج فطرت تصریح می‌کند: فطرت حقیقت‌طلبی؛ فطرت زیبایی؛ فطرت اخلاق؛ فطرت پرستش؛ فطرت ابداع و ابتکار. به اعتقاد ایشان، دستگاه تعلیم و تربیت کشور باید در خدمت پرورش عقل، اخلاق، عرفان و پرستش، هنر و زیبایی و خلاقیت در انسان به‌کار گرفته شود. در حقیقت این فطرت‌ها خط‌کش و ملاک‌هایی هستند که درستی و نادرستی آموزش و پرورش و دانشگاه کشور با آن‌ها سنجیده می‌شود.

آیا در حال حاضر، حاصل زحماتی که در آموزش و پرورش کشیده می‌شود، بجه‌هایی عاقل، عالم، خلاق، اخلاقی، هنرمند و عارف است؟ اگر نیست، باید بدانیم که این آموزش و پرورش اگر چه به نام مطهری یدک کشیده می‌شود، اما هنوز آموزش و پرورش استاد مطهری نیست.

● جناب‌عالی که با آثار استاد شهید مأنوس بوده‌اید و در آن‌ها تعمق داشته‌اید، بفرمایید آیا استاد در تعلیم و تربیت اسلامی صرفاً برداشت‌های خود را از آیات، روایات و سنت بیان می‌کند؟ یا از بُعد روان‌شناسانه نیز زمینه‌ای برای این مفاهیم و ویژگی‌ها می‌یابد و از این سو هم توجیه و استدلال می‌کند؟

○ استاد به دلیل آنکه به شدت عقل‌گرا بود، مدافع فلسفه و علم بود و لذا در آثارشان جابه‌جا از روان‌شناسی بهره می‌گیرد.

● در مجموع، آیا ایشان در تعلیم و تربیت اسلامی نظریهٔ تعلیمی و تربیتی استخراج کرده است؟ یا فقط مفسر و شارح است؟  
○ استاد را نمی‌توان نظریه‌پرداز به معنای دقیق کلمه در حوزهٔ تعلیم و تربیت اسلامی دانست، اما از تمام علمای اسلامی که در حوزهٔ

تعلیم و تربیت کتاب نوشته‌اند، پیش‌روتر است. بنده معتقدم با تأمل در مباحث فطرت که زیربنای تفکر استاد است، می‌توان دیدگاه استاد مطهری را به عنوان نظریهٔ اسلامی دربارهٔ تعلیم و تربیت سازمان‌دهی کرد.

● آیا از دل تعلیم و تربیت مورد نظر استاد مطهری، می‌توان شیوه و روش آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت) استخراج کرد که استاد در دوران معلمی بدان‌ها اقتدا کرده باشد؟

○ سؤال روشن نیست. دربارهٔ شیوهٔ آموزش و پرورش به‌طور مستقل در آثار استاد بحث نشده، اما به‌صورت پراکنده در کتاب تعلیم و تربیت اسلامی و مباحث فطرت و انسان‌شناسی، نکات زیادی مطرح شده که نیاز است کسی با توجه به کل آثار و مباحث تفکر استاد تحقیق و حداقل مقاله‌ای دربارهٔ روش تعلیم و تربیت وی منتشر کند.

● جناب‌عالی کتاب‌های «جلوه‌های معلمی استاد مطهری» و «روایتی از جلوهٔ استادی شهید مطهری در دانشگاه» را به همراه کتاب «معلم نمونه، سیری در اندیشه‌های تربیتی و شیوه‌های تدریس استاد» منتشر کرده‌اید. به نظر می‌رسد این سه عنوان کتاب وجوه مشترکی دارند، زیرا موضوع هر سه کتاب در کلیت خود یکی است. بفرمایید:

الف. آیا ویژگی‌های معلمی و استادی را متفاوت گرفته‌اید؟

ب. اگر یگانه‌اند، این ویژگی‌ها از چه عناصری برخوردارند؟ لطفاً هر یک را با مشخصاتش بیان کنید.

○ مرحوم مطهری بیش از ۲۰ سال در دانشکده الهیات دانشگاه تهران تدریس رسمی داشت و کلاس‌های غیررسمی خود را با استادان دانشگاه و در سطوحی، با نسل جوان دایر می‌کرد. از این‌رو آنچه که من تحت عنوان روش تدریس و اخلاق معلمی کار کرده‌ام، در واقع مواردی است که هر کس که کار آموزشی انجام می‌دهد، چه در مدرسه و چه در دانشگاه، می‌تواند از آن‌ها استفاده کند.

دربارهٔ روش تدریس رئوس مطالب به قرار زیر است که خوانندگان می‌توانند تفصیل آن را در کتاب «معلم نمونه» بخوانند:



**برای استاد  
تعداد شاگردان  
و سطح  
دانشجویان  
اهمیتی نداشت  
و در هر کلاسی  
با شور و حرارت  
بحث می کرد**



در حوزه اخلاق معلمی ایشان دارای ویژگی‌های زیر بود:

**۱. داشتن نظم و انضباط در شروع درس و خاتمه آن:** از نظر آراستگی ظاهر، همیشه مرتب و تمیز بود. در روش بحث کردن به تقدم و تأخر مباحث کاملاً پایبند بود و میان متن و حاشیه تفاوت قائل می‌شد.

**۲. داشتن انصاف:** اگر سخنی می‌گفت و شاگرد آن را نقد می‌کرد، به راحتی به اشتباه خود اذعان می‌کرد. در طرح آرای مخالف نیز آن را به بهترین شکل ممکن بیان می‌کرد، به طوری که تصور می‌شد، استاد مثلاً مدافع نظریه هگل یا مارکس است.

**۳. داشتن تواضع:** برای خود شأنی جز معلمی دلسوز قائل نبود و همین امر موجب می‌شد که شاگردان با ایشان صمیمی باشند؛ صمیمیتی که توأم با احترام بود.

**۴. احترام به شاگردان:** ایشان از طریق میدان دادن به شاگردان، عملاً احساس کرامت را در آنان پدید می‌آورد.

**۵. برخورداری از روحیه مدارا:** به نقدهایی که پرت بودند، توهین نمی‌کرد. «ساکت شو» و «حرف نزن» در کارشان نبود، بلکه با روحیه علمی سطح بالا با شاگردان و سؤال‌آنان کنار می‌آمد و با محبت جواب می‌داد.

**۶. تدریس توأم با معنویت و اخلاص:** همواره در هر کاری وضو داشت. محل تدریس را مانند مسجد و جای مقدس پاس می‌داشت.

**۷. آزاداندیشی:** خود را در قید و بند «قول و آرا» محصور نمی‌کرد و اهل ابداع بود. به معنای واقعی کلمه فیلسوف بود و اثری از تحجر در وجودشان نبود. تابع عقل بود و شاگردان را از تقلید، تلقین و خرافات و فضاهای ضدعقل بر حذر می‌داشت. اهل مریدبازی نبود و با آنکه در سطح عالی از عرفان و معنویت قرار داشت، در مباحث، عقل را ملاک دآوری قرار می‌داد.

**۸. بی‌ادعایی و نداشتن تکلف:** برای استاد تعداد شاگردان و سطح دانشجویان اهمیتی نداشت و در هر کلاسی با شور و حرارت بحث می‌کرد.

**۱. عشق به آموزش:** کسی که عاشق تدریس باشد و کسی که از سر ناچاری معلم شده باشد، در دو فضای متفاوت قرار خواهند گرفت و تأثیرات کارشان صددرصد با یکدیگر فرق خواهد داشت.

**۲. زبان روان و شفاف:** استفاده از ادبیات جذاب و آمیختگی درس با خاطره، شعر و لطیفه، حتی دروسی مانند فلسفه را شیرین می‌کند.

**۳. تدریس روشمند:** استاد در موضوع سخن می‌گفت و اگر حاشیه‌ای می‌رفت، ربط آن حاشیه با اصل را مطرح می‌کرد. معلمین زیادی هستند که دچار خلط در مباحث می‌شوند و در نتیجه دانش‌آموز را در فهم مطلب دچار سردرگمی می‌کنند.

**۴. تناسب مطالب با سطح شاگردان:** استاد متناسب با مخاطب یک موضوع را در سه سطح ارائه می‌کرد. مثلاً مباحث فطرت را در حوزه علمیه و در میان افرادی که اکنون استادان حوزه هستند و برخی از آنان اکنون در زمره مراجع‌اند، و در سطح عالی به صورت تطبیقی با آرای علامه طباطبایی بحث می‌کرد. اما در دانشگاه در سطحی پایین‌تر و در جمعی که اطلاعات کمتری داشتند، مورد بحث قرار داده است. استاد معتقد است، معلم باید استعداد و سطح معلومات مخاطب را حتماً مد نظر قرار دهد.

**۵. شرح موضوع از دیدگاه دیگران:** استاد درباره موضوع مورد نظر، ابتدا آرای دیگر متفکرین دینی و غیر دینی را مطرح می‌کرد و سپس ضمن نقد این نظرات در نهایت نظر خویش را شرح می‌داد.

**۶. استقبال از نقادی دانش‌آموزان و دانشجویان:** استاد از نقد دانشجویان استقبال می‌کرد و با روی تَرش برخورد نمی‌کرد. ایشان ذهن شاگردان را از طریق تربیت روح علمی نقاد بار می‌آورد و معتقد بود که تعلیم باید در خدمت تربیت عقلانی باشد و عقل.